

## دکتر گری یتس، ارمیا، سخنرانی ۲ سوء تفاهمات پیامبران

گری یتس و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

دکتر گری یتس، ما را در ارائه کتاب ارمیا رهبری می‌کند. در جلسه دوم، او بحث ارمیا را به عنوان یک پیامبر عهد عتیق ادامه خواهد داد. در جلسه دوم، او بر سوء تفاهم‌های رایج در مورد پیامبران عهد عتیق تمرکز خواهد کرد.

در دومین جلسه‌مان در مورد کتاب ارمیا، به بررسی پیام ارمیا در پرتو پیامبران عهد عتیق ادامه می‌دهیم. و باز هم، پیامبران بخشی از کتاب مقدس هستند که بسیاری از ما با آن آشنا نیستیم. ممکن است چیزی باشد که نخوانده یا مطالعه نکرده باشیم، یا پیام‌های زیادی در مورد آن در کلیسایمان نشنیده باشیم.

بنابراین، در این جلسه، می‌خواهم در مورد برخی از سوء تفاهم‌های رایج در مورد پیامبران صحبت کنم و سعی کنم آنها را اصلاح کنم و درک بهتری از تصویر ارمیا به عنوان سخنگوی خدا به ما ارائه دهم. به یاد داشته باشید، در جلسه قبل، در مورد سه نکته در مورد پیامبران صحبت کردیم که به نظر من بسیار مهم هستند. اول، آنها نگهبانان خدا هستند.

آنها داشتند داوری قریب‌الوقوع را اعلام می‌کردند. خداوند پیامبران مکتوب را برای بحرانی خاص که در اسرائیل در جریان بود، برانگیخت. دوم اینکه، آنها پیام‌آوران خدا هستند.

آنها آنجا نیستند که سخنان خود را بگویند. آنها آنجا هستند تا سخنان خدا را بگویند. و سوم اینکه، آنها پیام‌آوران عهد هستند.

بر اساس هشدارهای خدا و نفرین‌های آن عهدها، پیامبران داوری را اعلام می‌کنند. بر اساس وعده‌های آن عهدها، پیامبران وعده برکات و کارهایی را می‌دهند که خدا برای مردم انجام خواهد داد. اما باز هم سوء تفاهم‌های بزرگی در مورد پیامبران وجود دارد که می‌خواهم در این جلسه به آنها پردازم.

اولین سوء تفاهمی که اغلب از مردم هنگام صحبت در مورد پیامبران می‌شنوم این است که آنها اغلب به عنوان پیام‌آوران خشمگین خدای خشمگین که مشتاقانه منتظر نابودی مردم است، دیده می‌شوند. و شاید ما واعظی را تصور کنیم که با صورتی سرخ و رگ‌های بیرون زده در گردنش موعظه می‌کند و به نظر می‌رسد از صحبت در مورد داوری خدا لذت می‌برد. این تصویری است که بسیاری از مردم از پیامبران دارند.

از بسیاری جهات، وقتی به ارمیا نگاه می‌کنیم، پیام یک خدای خشمگین را خواهیم دید. من با خواندن ارمیا به یاد جانانان ادواردز می‌افتم، گناهکارانی در دستان خدای خشمگین. این خلاصه‌ای از چیزی است که ارمیا قرار است در مورد آن صحبت کند.

ارمیا در جایی می‌گوید، من سرشار از خشم و غضب خدا هستم. و ما قطعاً شاهد انتشار این پیام هستیم. تصاویر و تصاویر شدیدی از داوری و شدت آن وجود دارد.

در ارمیا فصل ۹، آیه ۲۱، تصویری از مرگ وجود دارد که از پنجره‌ها بالا می‌رود تا جان مردم یهودا را بگیرد و سپس سوگواری و غم و اندوهی که در نتیجه آن رخ خواهد داد. ارمیا قرار است یهودا را به عنوان همسر بی‌وفای خدا به تصویر بکشد.

و ما در یکی از جلسات بعدی خود به آن خواهیم پرداخت. در فصل ۱۳، آیات ۲۶ و ۲۷، خداوند می‌گوید که او را برهنه خواهد کرد و شرمساری‌اش را به همه ملت‌ها نشان خواهد داد. ما این را می‌خوانیم و از این تصویرسازی متحیر می‌شویم.

ارمیا فصل ۱۲ آیه ۱۳ به خشم شدید خداوند اشاره می‌کند. و ارمیا ۲۳-۲۰ می‌گوید که خشم شدید خداوند تا زمانی که تمام آنچه را که طراحی و قصد کرده است به انجام نرساند، باز نخواهد گشت. بنابراین، آیا انبیا پیام‌آوران خشم و داوری بودند؟ کاملاً.

اما جنبه‌ی دیگر پیامبران که باید درک کنیم این است که برخی از صمیمانه‌ترین و پرشورترین ابراز عشق رحمت و شفقت خداوند در پیامبران نیز یافت می‌شود. برنت سندی، در کتاب خود «گاوآهن و قلاب‌های هرس»، می‌گوید که در پیامبران، عشق و خشم خداوند در نهایت به ما ارائه می‌شود. و بنابراین، ما شدیدترین ابراز خشم خداوند را می‌بینیم، اما در کنار آن، برخی از زیباترین تصاویر عشق خداوند را نیز می‌بینیم.

من به ارمیا فصل ۳۱، آیه ۲ فکر می‌کنم، جایی که خداوند می‌گوید، من تو را با عشقی جاودان دوست داشته‌ام. و تنها یادآوری که از این برای اسرائیل و همچنین برای ما حاصل می‌شود، این است که هیچ چیز نمی‌توانسته باعث شود خدا قوم خود را کمتر دوست داشته باشد. هیچ چیز نمی‌توانسته باعث شود قوم او دوست داشته باشند یا می‌توانسته باعث شود خدا قوم خود را بیشتر دوست داشته باشد زیرا او آنها را با عشقی جاودان دوست دارد.

و با وجود اینکه خشم شدید او فروکش نخواهد کرد، آن عشق هنوز وجود دارد. هوشع ۱۱ آیات ۸ و ۹، همانطور که خداوند آماده داوری اسرائیل می‌شود، می‌گوید: ای افرایم، چگونه می‌توانم تو را رها کنم؟ زیرا خداوند این قوم را دوست دارد. و بنابراین، او می‌گوید، در نتیجه آن، من تمام خشم خود را به طور کامل اعمال نخواهم کرد زیرا تو را دوست دارم و نمی‌توانم از آن رویگردان شوم.

در اشعیا ۴۰، همانطور که خدا وعده می‌دهد قوم را از تبعید بازگرداند، خود را به عنوان چوپانی تصویر می‌کند که گوسفندان را با مهربانی و محبت در آغوش خود حمل می‌کند و مطمئن می‌شود که آنها در کل این فرآیند کاملاً در امان خواهند بود. این کاری است که خدا انجام خواهد داد. خداوند در حزقیال فصل ۱۱ می‌گوید: من از مرگ شیران خوشحال نمی‌شوم، ۳۳.

به همین دلیل است که خداوند در وهله اول پیامبران را به عنوان نگهبان فرستاد. اگر خواست خدا فقط نابودی مردم بود، پس می‌توانست این کار را انجام دهد. اما او پیامبران را پیش از داوری فرستاد تا مردم فرصتی برای توبه داشته باشند.

او این کار را به عنوان ابراز عشق انجام داد. در کتاب عاموس، خدا داوری را به تأخیر می‌اندازد تا مردم بتوانند هشدارها را از قبل بشنوند. و همیشه این احتمال وجود داشت که اگر مردم پاسخ می‌دادند، اگر مردم گوش می‌دادند، اگر مردم اطاعت می‌کردند و راه خود را تغییر می‌دادند، خدا از فرستادن داوری منصرف می‌شد.

مشکل این است که در کتاب ارمیا، همانطور که ارمیا این پیام را موعظه می‌کند، تنها چیزی که با آن مواجه خواهد شد، شورش و طغیان است. و مردم در فصل ۸ خواهند گفت، ما قادر نیستیم، ما باز نخواهیم گشت. در فصل ۴۴، ما به انجام آیین‌های بت‌پرستی خود ادامه خواهیم داد.

اما پیامبران به ما عبارات بی‌شماری از عشق شگفت‌انگیز خدا به قومش ارائه می‌دهند. یکی از موارد مورد علاقه من در اشعیا، فصل ۴۹، آیات ۱۴ و بعد از آن یافت می‌شود. و این چیزی است که قوم اسرائیل گفتند.

صهیون گفت، خداوند مرا ترک کرده است، و پروردگارم مرا فراموش کرده است. همانطور که آنها در مورد تبعید فکر می‌کردند و توسط بابلی‌ها شکست خوردند، آنها را بردند و از سرزمین بیرون راندند. پاسخ آنها این بود که خدا ما را فراموش کرده است.

خدا به ما اهمیتی نمی‌دهد. شاید حتی این حس که خدا واقعاً نمی‌تواند در این مورد کاری انجام دهد. خدایان بابل از خداوند قوی‌ترند.

خداوند مرا رها کرده است، و پروردگارم مرا فراموش کرده است. به آنچه خداوند در پاسخ به این موضوع به قومش می‌گوید گوش دهید. در آیه ۱۵، آیا زنی می‌تواند کودک شیرخوار خود را فراموش کند و به پسر رحم خود رحم نکند؟ او می‌گوید، آیا فکر می‌کنید که ممکن است من از دوست داشتن قوم خود دست بردارم؟ خب، آیا زنی می‌تواند از دوست داشتن نوزاد، نوزادی که از سینه‌اش شیر می‌خورد، دست بردارد؟ و سپس خداوند می‌گوید، حتی اگر این اتفاق بیفتد، و ما حتی نمی‌توانیم آن را در سطح انسانی تصور کنیم، خداوند می‌گوید، با این حال من شما را فراموش نخواهم کرد.

سپس او به صهیون می‌گوید و می‌گوید که من تو را بر کف دستانم حک کرده‌ام. و بنابراین، خداوند، به یک معنا، خالکوبی از قوم خود دارد، و او صهیون را از یک طرف دارد؛ او تصویری از شهر دارد. و بنابراین، اولین چیزی که خدا همیشه می‌بیند، اولین تصویری که خدا همیشه از قوم خود آگاه است، او هرگز آنها را فراموش نمی‌کند.

آنها هرگز از ذهن او خارج نمی‌شوند. آنها هرگز از آگاهی او خارج نمی‌شوند. و بنابراین، پیامبران، بله، آنها پیام‌آوران خدای خشمگین هستند، اما آنها همچنین عشق باورنکردنی خدا را به ما یادآوری می‌کنند.

آنها پیش درآمدی هستند که به ما کمک می‌کنند تا آنچه پولس در فصل هشتم رومیان می‌گوید را درک کنیم، هیچ چیز نمی‌تواند ما را از عشق خدا جدا کند. ما اوج خشم و عشق خدا را می‌بینیم. و هر دوی این موارد بخشی از پیام پیامبران هستند.

فکر می‌کنم سوءتفاهم دوم در مورد پیامبران این است که پیامبران صرفاً پیش‌بینی‌کننده‌ی آینده بودند. حتی ممکن است آنها را به عنوان غیب‌گویانی در نظر بگیریم که به آینده و نقش، هدف و مأموریت خود نگاه می‌کنند، پیام آنها تماماً در مورد این بود که به ما بگویند اوضاع در روزهای آخر چگونه خواهد بود. من به عنوان یک طرفدار ورزش، پیامبران را افرادی می‌دانم که می‌توانستند هر بازی و نتیجه‌ی آن را در این موقعیت از قبل به طور دقیق پیش‌بینی کنند.

و مهم است که بدانیم پیامبران، آینده را پیش‌بینی می‌کردند. آنها در ۶۶٪ مواقع درست پیش‌بینی نمی‌کردند. در ۵۰٪ مواقع هم درست پیش‌بینی نمی‌کردند.

آنها ۹۵٪ مواقع درست نمی‌گفتند. تثنیه ۱۸ می‌گوید اگر خداوند پیامبری را بفرستد و اگر او پیش‌بینی کند تنها راه برای دانستن اینکه او یک پیامبر واقعی است، این است که ۱۰۰٪ مواقع درست می‌گوید، زیرا خدا همیشه درست می‌گوید. او هرگز دروغ نمی‌گوید.

او هرگز چیزی را که حقیقت ندارد نمی گوید. و بنابراین، یک پیامبر واقعی خدا، همانطور که آینده را پیشگویی می کرد، همیشه درست می گفت. اما درک این نکته نیز مهم است که پیش بینی آینده پیام اصلی یا نقش پیامبران نبود.

کسی گفته است که دو سوم موعظه های پیامبران پیشگویی بوده است. یک سوم موعظه های پیامبران پیشگویی است. منظور ما از این حرف این است که پیشگویی صرفاً موعظه، ابلاغ پیام خدا، بیان کلام خدا و موعظه به مردم است.

و این دو سوم پیام پیامبران است. و من معتقدم یکی از دلایلی که ما امروز در کلیساها به پیامبران نیاز داریم این است که آنها در آن زمان در مورد نیازها، نگرانی ها، مشکلات و رابطه مردم با خدا موعظه می کردند. و همانطور که پیامبران را می شناسید، متوجه می شوید که آنها با همان مسائل، همان مشکلاتی که ما در زندگی خود با آنها دست و پنجه نرم می کنیم، سروکار داشتند.

دو سوم موعظه های پیامبران به این نوع مسائل می پردازد - فقط صحبت با مردم در مورد گناهشان، نیازشان به عشق به خدا و نیازشان به ایمان به خدا. و سپس یک سوم موعظه های آنها پیشگویی یا پیش بینی آینده است.

حال، بیشتر آن پیش بینی ها، همانطور که به عقب برمی گردیم، ارمیا بیش از ۵۰۰ سال قبل از زمان عیسی زندگی می کرد. بیشتر آن پیش بینی ها و آن وقایع مربوط به چیزهایی است که در تاریخ گذشته اتفاق افتاده است. در واقع، بسیاری از آنها مربوط به چیزهایی هستند که قرار است در آینده نزدیک، قبل از اینکه به عهد جدید و زمان عیسی برسیم، اتفاق بیفتند.

فی و استوارت در کتاب خود، چگونه کتاب مقدس را با تمام وجود بخوانیم، این آمار را به ما می دهند. آنها می گویند که با نگاه به پیامبران، کمتر از ۲٪ از پیشگویی های آنها پیشگویی مسیحایی است. کمتر از ۵٪ از پیشگویی های آنها به دوران عهد جدید و کمتر از ۱٪ از پیشگویی های آنها به رویدادهایی می پردازد که هنوز در آینده رخ خواهند داد.

و خیلی از مردم به پیامبران نزدیک می شوند یا صرفاً از نظر فرجام شناسی یا صرفاً از این نظر که می خواهیم به این کتاب ها برویم و نقشه راهی برای آینده پیدا کنیم، به آنها فکر می کنند. مطالب بسیار کمی در مورد پیامبران وجود دارد. آنها حرف های مهمی برای گفتن دارند.

پادشاهی خدا قرار است بیاید. مسیح خدا قرار است حکومت و سلطنت کند. خدا قرار است به وعده هایش عمل کند، اما این وعده ها بیشتر برای این طراحی شده اند که تصویری کلی از آینده به ما ارائه دهند، نه اینکه به همه سوالات ما پاسخ دهند، نه اینکه همه معماها و اسرار آخرالزمانی موجود را حل کنند.

و بنابراین، اگر به دنبال چنین پاسخ هایی نزد پیامبران برویم، در واقع به دنبال چیزهایی در آنها هستیم که تمرکز اصلی رسالت آنها نبوده است. بسیاری از مردم فکر می کنند که مسئله اصلی در مورد پیامبران این است که آیا شما پیشاهزاره، ناهزاره، پساهزاره، پیشاطایف، میانه طایف یا پساطایف هستید. چیزهایی وجود دارد که به این مسائل مربوط می شود، اما این موضوع اصلی نخواهد بود که ما هنگام مطالعه آنها در مورد آن صحبت و بحث کنیم.

وقتی اغلب به مردم می گویم که در یک مدرسه علمیه تدریس می کنم و پیامبران عهد عتیق را آموزش می دهم، اغلب سوالات زیادی مطرح می شود. و برخی از این سوالات چیزهایی مانند این هستند که به نظر شما دجال کیست؟ یا آیا باور دارید که عیسی در آینده نزدیک بازمی گردد؟ آیا ما در روزهای آخر پس از وقایع 11

سپتامبر زندگی می‌کنیم؟ آیا 11 سپتامبر در کتاب مقدس پیشگویی شده است؟ آیا چیزی در مورد جنگ عراق و افغانستان وجود دارد؟ آیا چیزی در کتاب مقدس در مورد آن وجود دارد؟ و اغلب بسیاری از مردم کتاب مقدس خود را برمی‌دارند، و به خصوص پیامبران را برمی‌دارند و به دنبال چیزهایی می‌گردند که در روزنامه‌های امروز هستند. و همانطور که تاریخ کلیسای مسیحی را مطالعه می‌کنید، متوجه می‌شوید که مردم در تمام طول تاریخ این کار را انجام داده‌اند و در انجام این کار اشتباهات بزرگی مرتکب شده‌اند.

اشتباهات در کتاب مقدس نیستند. اشتباهات در نحوه برخورد ما با آنها هستند. و بنابراین، من معتقدم که در اینجا چیزهایی وجود دارد که درک ما از آینده را شکل می‌دهد.

ارمیا به من امید زیادی می‌دهد که خدا همه چیز را تحت کنترل دارد و پادشاهی خدا قرار است بیاید. اشعیا که خداوند قرار است پادشاهی خود را احیا کند و صهیون به عنوان بلندترین کوهها برافراشته خواهد شد. اما بسیاری از چیزهای خاصی که می‌خواهیم بدانیم، اینکه دجال کیست؟ آینده ایالات متحده چیست؟ در درگیری بین غرب و اسلام رادیکال چه می‌گذرد؟ چه اتفاقی برای ملت اسرائیل که در سال ۱۹۴۸ تأسیس شد، خواهد افتاد؟ پیامبران همیشه به این مسائل نمی‌پردازند.

ما باید به پیش‌بینی‌های آنها بر اساس اتفاقاتی که در زمان و شرایط آنها رخ می‌داد، نگاه کنیم. بنابراین، ما به سادگی به سراغ ارمیا نمی‌رویم و آیتی از ارمیا را بیرون نمی‌کشیم و آنها را به مصیبت عظیم در آخرالزمان ربط نمی‌دهیم. ما به کتاب اشعیا، همانطور که اخیراً برخی از مطالعات رایج انجام داده‌اند، مراجعه نمی‌کنیم و نمی‌گوییم که این درباره داوری خدا بر آمریکا است.

پیامبران درباره داوری خدا بر اسرائیل و یهودا صحبت می‌کنند و با چیزهای خاصی سروکار دارند که قرار بود در زمان و زمینه خودشان اتفاق بیفتد. بنابراین، اگر به دنبال این نوع پاسخ‌ها در پیامبران باشیم، فکر می‌کنم در نهایت، یا یکی از آنها ناامید خواهیم شد، یا دو، در نهایت پیام پیامبران را نادرست ارائه و تفسیر خواهیم کرد. و راستش را بخواهید، وقتی به بسیاری از شیوه‌های برخورد با پیامبران در فرهنگ رایج مسیحی نگاه می‌کنم، فکر می‌کنم شاهد وقوع این نوع اتفاقات هستیم.

یک سوءتفاهم سوم هم وجود دارد، و این واقعاً همان چیزی است که می‌خواهم تمرکز درس امروز ما روی آن باشد. سوءتفاهم سوم این است که بسیاری از مردم معتقدند پیامبران، فرستادگان خدا برای مردم در عهد عتیق تحت عهد عتیق بودند. بنابراین، پیام آنها واقعاً برای ما امروز مرتبط نیست.

پیامبران صدها سال قبل از عیسی آمدند. آنها درباره چیزهایی پیشگویی می‌کردند که واقعیتی که آنها پیشگویی می‌کردند، قبلاً اتفاق افتاده است. بنابراین، پیام آنها چگونه می‌تواند برای ما امروز مرتبط باشد؟ خب، چیزی که می‌خواهم درک کنیم این است که به جای فکر کردن به آخرت‌شناسی و مواضع آخرت‌شناسی ما، پیامبران در درجه اول از ما می‌خواهند که بر برخی از مسائل بسیار مهم زندگی و چیزهایی که به رابطه ما با خدا و مأموریت ما به عنوان کلیسای امروز مربوط می‌شود، تمرکز کنیم.

یکی از عباراتی که دائماً این موضوع را به من یادآوری می‌کند، نگاه کردن به کتاب اشعیا در فصل پنجم اشعیا است. اشعیا فرهنگ اسرائیل و یهودا را در قرن هشتم پیش از میلاد توصیف می‌کند. و وقتی این عبارت را از بسیاری جهات می‌خوانم، متوجه می‌شوم که او به فرهنگی می‌پردازد که با تمام تفاوت‌هایش و با تمام شکاف زمانی که وجود دارد، فرهنگی است که بسیار شبیه به جایی است که امروز در آن هستیم. او درباره افرادی صحبت می‌کند که مزرعه به مزرعه اضافه می‌کنند و غرق در ثروت و دارایی هستند.

او درباره افرادی صحبت می‌کند که غرق در لذت هستند و شراب را پر از جام می‌نوشند و فقط به الکل و ارضای لذت‌هایشان فکر می‌کنند. این فرهنگ امروز ما از بسیاری جهات است. او درباره افرادی صحبت

می‌کند که غرق در سردرگمی اخلاقی هستند و می‌گویند آنها افرادی هستند که خوبی را بدی و بدی را خوبی می‌نامند.

و وقتی هر برنامه خبری تلویزیونی یا برنامه تماس تلفنی رادیویی را تماشا می‌کنم و مردم به مسائلی مانند سقط جنین یا همجنس‌گرایی می‌پردازند، متوجه می‌شوم که ما در چنین فرهنگی زندگی می‌کنیم. وای بر کسانی که خوبی را بدی و بدی را خوبی می‌نامند. وقتی کتاب مقدس را رها می‌کنیم، مرکز اخلاقی خود را از دست می‌دهیم و این همان اتفاقی است که برای آن افراد نیز افتاده است.

اشعیا همچنین مردمی را توصیف می‌کند که متکبر هستند و از خدا سرپیچی می‌کنند، و می‌گویند، ببین اشعیا اگر می‌خواهی در مورد داوری خدا بر ما صحبت کنی، بگذار او عجله کند، بگذار او عجله کند، بگذار او سرعت بگیرد و آن داوری را اجرا کند. و اشعیا می‌گوید خداوند عجله خواهد کرد. و آشوریان به سرعت خواهند آمد، و وقتی آنها داوری خدا را اجرا کنند، خیلی سریع اتفاق خواهد افتاد.

بنابراین، فرهنگی که پیامبران با آن سر و کار داشتند - بله، یک فاصله زمانی بزرگ وجود دارد - بسیار شبیه فرهنگ ماست. من همزمان با مطالعه پیامبران، کتاب ارمیا را نیز مطالعه می‌کنم و به ارمیا در پرتو کل مجموعه ادبیات نبوی نگاه می‌کنم. سه مسئله مهم زندگی وجود دارد که پیامبران به طور خاص به آنها می‌پردازند. مورد اول این است که پیامبران قرار است در مورد مشکل بت‌پرستی صحبت کنند.

و مردم، به جای پرستش خدا، به پرستش خدایان دیگر روی آورده‌اند. و به ویژه برای اسرائیل، پرستش خدایان کنعانی، بعل، الهه‌های باروری زن و تمام آیین‌ها و مراسم مذهبی، چیزی بود که در طول تاریخ اسرائیل ادامه داشت. این چیزی بود که به ویژه در روزگار ارمیا برجسته بود.

و بنابراین، من می‌خواهم به تعداد انگشت‌شماری از متونی که ما را برای درک ارمیا آماده می‌کنند، نگاهی ببینم، جایی که او قصد دارد به این مسئله بت‌پرستی بپردازد. یکی از متون مورد علاقه من در ارمیا فصل ۲، آیه ۱۳ است، جایی که ارمیا قصد دارد از یک تصویر قدرتمند استفاده کند. او این را می‌گوید، او می‌گوید قوم من دو کار بد مرتکب شده‌اند.

آنها مرا که سرچشمه آب حیات هستم، ترک کرده‌اند و برای خود آب‌انبارهایی کنده‌اند، آب‌انبارهایی شکسته که نمی‌توانستند آب را در خود نگه دارند. حال، در دنیایی که ارمیا در آن زندگی می‌کرد، آب‌انبارها بسیار مهم بودند زیرا آب باران و آب در اسرائیل گرانبها بودند. و آب‌انبارها برای نگهداری آن آب طراحی شده بودند.

ارمیا بت‌هایی را که مردم به آنها روی آورده‌اند، به مخازن شکسته تشبیه می‌کند. چیزهایی که آنها برای زندگی به آنها نیاز دارند، به بیرون نشت خواهد کرد. و بت در واقع هر چیزی است که ما برای اهمیت و امنیت به آن اعتماد می‌کنیم، غیر از خود خدا.

و خداوند چشمه حیات است. او جایی است که آب زنده را پیدا می‌کنید. عیسی در یوحنا ۴ و یوحنا ۷ در مورد این موضوع صحبت کرد، اما مردم خدایانی را برگزیده بودند که در نهایت به مخازن ترک خورده تبدیل می‌شدند.

آنها برای امنیت و اهمیت و برکت به آنها چشم دوخته بودند. و آن خدایان در نهایت برایشان ثمری نداشتند. ارمیا می‌گوید مردم یهودا به تعداد شهرهایشان بت دارند و هیچ یک از این بت‌ها به آنها کمکی نخواهد کرد.

و از بسیاری جهات، بت‌پرستی افراطی مردم یهودا چیزی بود که خدا خودش هم نمی‌توانست آن را درک کند. کدام ملت دیگر، ارمیا ۱۱: ۲، تا به حال خدایان خود را رها کرده است؟ خب، اسرائیل خدای حقیقی را، می‌شناسد و او را رها کرده است. آیا عروس حلقه نامزدی و زیورآلات عروسی خود را فراموش می‌کند؟ نه، اما قوم من مرا فراموش کرده‌اند.

و بنابراین درست در ابتدای فصل دوم ارمیا، یکی از اولین فصل‌های مهم کتاب، خداوند به موضوع بت‌پرستی می‌پردازد. ما عمق این بت‌پرستی، فساد که به بار آورد، و آیین‌های بت‌پرستانه‌ای که بخشی از آن بودند را می‌بینیم که در فصل هفتم ارمیا، آیات ۳۰ تا ۳۶ به آنها پرداخته شده است. خداوند این را می‌گوید، زیرا بنی‌یهودا در نظر من شرارت ورزیده‌اند، این را خداوند می‌گوید.

آنها چیزهای نفرت‌انگیز خود را در خانه‌ای که نام مرا بر خود دارد، قرار داده‌اند تا آن را نجس کنند. آنها این بت‌ها را در معبد قرار داده‌اند. آنها مکان‌های بلند توفت را که در دره پسر هنوم است، ساخته‌اند تا پسران و دختران خود را در آتش بسوزانند، کاری که من دستور نداده بودم و به ذهنم خطور نکرده بود.

و بنابراین، خداوند می‌گوید، آنها نه تنها خدایان دیگر را پرستش کرده‌اند، بلکه مجسمه‌هایی را به معبد آورده‌اند. آنها در دره هنوم، که درست بیرون اورشلیم بود، زیارتگاه‌هایی برپا کرده‌اند. و برای این خدایان بت‌پرست مکان‌های مقدسی ساخته‌اند که در واقع شامل می‌شد، و آیین‌هایی که با پرستش این خدایان مرتبط بود، در واقع شامل قربانی کردن کودکان می‌شد.

اینگونه بود که اسرائیل فاسد شده بود. ما در کتاب‌های تاریخی می‌خوانیم که پادشاهانی مانند آحاز و منسی وجود داشتند که در واقع فرزندان خود را قربانی می‌کردند. هر جامعه‌ای که با کودکان اینگونه رفتار کند، در نظر خدا منفور است.

و این اتفاقی بود که برای آنها به عنوان بت‌پرست افتاده بود. این نشان می‌داد که این چقدر در جامعه آنها رخنه کرده بود. ارمیا فصل ۱۰، ارمیا بیشتر با طعنه به بت‌پرستی آنها می‌پردازد.

و او این جمله را در مورد بت‌ها در فصل ۱۰، آیه ۵ بیان می‌کند. او می‌گوید بت‌هایی که قوم من می‌پرستند مانند مترسک‌هایی در مزرعه خیار هستند. آنها نمی‌توانند صحبت کنند و باید حمل شوند زیرا نمی‌توانند راه بروند. بنابراین، چند نفر از ما می‌خواهیم در مقابل مترسکی در مزرعه خیار تعظیم کنیم؟ بت‌های اسرائیل به این شکل درآمد بودند.

و بنابراین، واقعیت بت‌پرستی، مشکل بت‌پرستی، موضوع بت‌پرستی، در سراسر کتاب ارمیا بسیار مورد توجه است. در واقع، همانطور که به آخرین پیامی که ارمیا در کتاب ارمیا موعظه می‌کند، یعنی آخرین موعظه عمومی او در ارمیا فصل ۴۴، می‌رسیم، ارمیا در مصر است و با پناهندگانی که در مصر هستند با اعمال بت‌پرستانه‌شان مقابله می‌کند. و به آنها می‌گوید که باید این چیزها را کنار بگذارند، که خداوند از این کار ناراضی است.

این پاسخی است که مردم دارند. آنها این را می‌گویند: در مورد کلامی که به نام خداوند به ما گفتی، ما به تو گوش نخواهیم داد. من موعظه‌های زیادی کرده‌ام و مردم اغلب به من گوش نداده‌اند.

آنها خیلی به ندرت به من می‌گویند که وقتی رفتند، بعد از دست دادن با من، قرار است چه کار کنند. اما این چیزی بود که به جرمیا گفتند. و بعد این را می‌گویند: ما هر کاری را که نذر کرده‌ایم انجام خواهیم داد.

ما برای ملکه آسمان، خدایان باروری بین‌النهرین و کنعان، قربانی خواهیم کرد. ما هدایای نوشیدنی خود را برای او خواهیم ریخت، همانطور که ما و پدرانمان، پادشاهانمان و مقاماتمان می‌کردیم. ما از پرستش بت‌ها دست نخواهیم کشید.

و بنابراین، کتاب ارمیا به نقطه‌ای می‌رسد که خداوند آنها را به خاطر بت‌پرستی‌شان مجازات کرده است. او حکم تبعید را صادر کرد، اما آنها هنوز درس نگرفته‌اند. و در پایان کتاب، آنها می‌گویند، ما هنوز هم بت‌های خود را پرستش خواهیم کرد.

درک آنها از عهد و واقعیت این خدایان چنان منحرف شده بود که می‌گویند، می‌دانید، دلیل اینکه همه این بلایا برای ما اتفاق افتاده این است که یوشیا این اصلاحات را انجام داد که خدایان و اعمال بت‌پرستانه ما را از بین برد. و به همین دلیل است که ما همه این چیزهای بد را تجربه کرده‌ایم. بنابراین، بت‌پرستی یک مسئله اصلی در کتاب ارمیا و به طور کلی در کتاب انبیا است.

حالا، گفتیم که اینها مسائل اصلی زندگی هستند که به ما مربوط می‌شوند، اما باید صادق باشم که وقتی عهد عتیق را می‌خوانم، بارها وقتی درباره گناه بت‌پرستی در میان قوم اسرائیل می‌شنوم، این سوال را می‌پرسم که چطور این مردم می‌توانستند اینقدر احمق باشند؟ واقعاً خوشحالم که به روش‌هایی مطلع می‌شوم که آنها اینطور نیستند، چون من این مشکل را با بت‌ها ندارم. و من تمایل داشته‌ام که این ممنوعیت‌ها یا این محکومیت‌ها درباره بت‌پرستی را بخوانم و بگویم، می‌دانید، گناهان زیادی در کتاب مقدس وجود دارد که باید با آنها سر و کار داشته باشم. اما بت‌پرستی تقریباً یکی از آن چیزهایی است که من از لیستم خط زده‌ام.

من به پرستش خدایان دروغین اعتقادی ندارم. به غیر از تلویزیون ۵۰ اینچی اتاق نشیمنم، تصویری ندارم که اغلب در برابر آن تعظیم کنم. اما همانطور که متوجه شده‌ام پیامبران و عهد عتیق واقعاً در مورد بت‌پرستی چه می‌گویند، این مسئله کلیدی زندگی است که دائماً در زندگی‌ام با آن سر و کار دارم.

به نظر من، این مسئله کلیدی است که همه ما به عنوان پیروان عیسی با آن سر و کار داریم. چند متن به من در درک این موضوع کمک کرده است. در کولسیان، فصل سوم، آیه پنجم، پولس می‌گوید که طمع یا حرص، بت‌پرستی است.

بنابراین، ممکن است تصاویری نداشته باشید که به آنها وفاداری نشان ندهید و دعا‌های خود را به خدایانی غیر از خدای کتاب مقدس تقدیم نکنید. اما اگر با طمع مشکل دارید، پس بت‌پرست هستید. کالوین گفته است که قلب انسان یک کارخانه بت‌سازی است.

و در فرهنگ ما، بت اصلی که می‌پرستیم ثروت و دارایی است. و بنابراین در قرن هفتم، در قرن ششم، زمانی که ارمیا خدمت می‌کرد، مشکل بت در اورشلیم وجود داشت. ما هنوز هم با بت‌ها مشکل داریم.

دلیل اصلی اینکه بعل، خدای کنعانیان، چنین جذابیت دائمی برای قوم اسرائیل داشت این است که فرهنگ پیرامون اسرائیل به آنها آموخته بود که بعل خدای طوفان است. او خدایی بود که باران می‌باراند و آنها و محصولاتشان را برکت می‌داد و باروری می‌آورد. الهه‌های مرتبط با آنها، همسرانشان را قادر به فرزندآوری می‌کردند.

به عبارت دیگر، این خدایان وعده رفاه می‌دادند، بدون الزامات اخلاقی که خداوند بر قوم خود قرار داده بود. این یک جاذبه عظیم بود. و بنابراین، در جامعه ما، همانطور که به مادی‌گرایی فکر می‌کنیم، همانطور که به ثروت فکر می‌کنیم، همانطور که به دارایی‌ها فکر می‌کنیم، باید فراتر از آنها را به عنوان چیزهای مادی ببینیم.

یک مسئله معنوی در ارتباط با این موضوع وجود دارد، زیرا ثروت و دارایی به یک بت تبدیل می‌شوند. وقتی به آنها به عنوان منبع امنیت و اهمیت خود نگاه می‌کنیم و به چیزهایی که فقط متعلق به خدا هستند عشق، فداکاری و پرستش می‌دهیم، قطعاً همین مشکل را در جامعه خود داریم. در ایوب ۳۱، وقتی ایوب در برابر خدا به بی‌گناهی خود اعتراض می‌کند، فهرستی طولانی از گناهایی که مرتکب نشده است ارائه می‌دهد.

او می‌گوید که به طلا یا ثروتش اعتماد نداشته است. او این را با آیین‌های بت‌پرستانه‌ی بوسیدن خورشید و ماه یا تعظیم در برابر خدایان برابر می‌داند. به عبارت دیگر، عشق به ثروت و دارایی به همان اندازه بت‌پرستانه است که تعظیم در برابر یک مجسمه.

عهد عتیق به ما کمک می‌کند تا ببینیم که بت‌پرستی اساساً زمانی است که ما تسلیم دروغ‌های فرهنگ می‌شویم. در اطراف قوم اسرائیل، حقیقت وجود داشت. قوم اسرائیل، خدای حقیقی را می‌شناختند.

اما در اطراف آنها، فرهنگی وجود داشت که داستان دیگری داشت. و آن داستان بعل و خدایان کنعانی بود و اینکه چگونه این خدایان می‌توانستند امنیت و ثروت، برکت، شادی و خوشبختی را در زندگی که بنی اسرائیل به دنبال آن بودند، فراهم کنند.

بنی اسرائیل وقتی داستان جایگزین را خریدند، تسلیم بت‌پرستی شدند. و من به عنوان یک مسیحی، اغلب خودم را در حال خرید داستان جایگزین فرهنگمان می‌بینم. آن لذت یا ثروت یا دارایی یا موفقیت یا ثروت یا شغل، هر یک از این چیزها.

وقتی این دروغ‌ها را باور می‌کنیم، در واقع تسلیم همان نوع بت‌پرستی می‌شویم که قوم اسرائیل انجام دادند. بخش دیگری که در این زمینه به من کمک کرده، فصل ۱۴ از کتاب حزقیال است. وقتی حزقیال نبی می‌آید تا با بت‌پرستی مردم یهودا مقابله کند، صرفاً نمی‌گوید که شما مشکل دارید، چون این بت‌ها را ساخته‌اید و ساخته‌اید و در برابر آنها تعظیم کرده‌اید.

او می‌گوید مسئله‌ی اصلی این است که شما این بت‌ها را ساخته‌اید و این تصاویر را در قلب خود قرار داده‌اید. بنابراین، ممکن است من یک تصویر فیزیکی یا یک سیستم مذهبی جایگزین نداشته باشم که به آن وفاداری خود را نشان دهم، اما هر چیزی در قلب من که از عشق، فداکاری و خدمت مطلق من به خدا بکاهد، به یک بت تبدیل می‌شود. و بنابراین، انبیای عهد عتیق، مسئله‌ی زندگی که بارها و بارها با مردم مطرح می‌کنند، مسئله‌ی بت‌پرستی بود.

و این موضوع امروزه برای ما نیز مهم است. یک مسئله مهم دیگر در زندگی پیامبران وجود دارد و آن مسئله بی‌عدالتی اجتماعی است. و باز هم، به نظر من، این نتیجه مستقیم طمع و بت‌پرستی آنها بود.

وقتی پول را می‌پرستید و دوست دارید، آنقدر ناامید می‌شوید که به هر طریقی که می‌توانید آن را به دست آورید. در نهایت، اگر این به معنای کلاهبرداری از همسایگان، بدرفتاری با آنها یا عمل نکردن به دستورات عهدی بود که خدا به شما داده بود، پس این بخشی از مشکل بود. این همچنین به بت‌پرستی آنها مربوط می‌شد.

وقتی اسرائیل خدای حقیقی را می‌پرستید، خدایی که خدای شفقت بود، خدایی که به کسانی که در مصر در بردگی زندگی می‌کردند توجه می‌کرد و آنها را از بندگی‌شان رهایی می‌داد، وقتی شما چنین خدایی را می‌پرستید نگرش خاصی نسبت به فقرا و نیازمندان در شما ایجاد می‌شد. وقتی خدایان کنعان را می‌پرستید، کسانی که قدرت خود را با خشونت، کشتار، سوءاستفاده از دیگران، گرفتن آنچه می‌خواهند، از بسیاری جهات تثبیت

کردند، خدایان کنعانی فقط انسان‌هایی هستند که با تمام مشکلات، شهوت و گناهانشان بزرگ‌نمایی شده‌اند. وقتی شما این نوع خدایان را می‌پرستید، انجام همان کارها را در قلمرو انسانی توجیه می‌کنید.

و بنابراین، پیامبران زیاد در مورد این واقعیت صحبت می‌کنند که اسرائیل به مسئولیت‌های عهد خود برای مراقبت از فقرا و نیازمندان عمل نمی‌کرد. آنها درگیر طمع خود شده بودند. این کاملاً در تضاد با نوع جامعه‌ای بود که خدا اسرائیل را برای آن طراحی کرده بود.

پادشاهان اسرائیل و یهودا با گرفتن زمین از مردم و تحت سلطه درآوردن همه چیز تحت قدرت و ثروت خود، در این امر نقش داشتند و همه اینها در جریان بود. هنگامی که پیامبران برای اولین بار در قرن هشتم به صحنه آمدند، اسرائیل برخی از بزرگترین رفاه‌هایی را که تا به حال از آن برخوردار بوده است، تجربه کرد. و همه اینها در جامعه‌ای به پایان رسیده است که در آن مردم به یکدیگر اهمیت نمی‌دهند و با یکدیگر آنطور که خدا طراحی کرده است، رفتار نمی‌کنند.

خداوند در تثنیه ۱۵ می‌گوید، فقرا همیشه در میان شما خواهند بود. و این واقعیت است. اما در تثنیه ۱۵، آیه ۱۱، من این قوانین را به شما داده‌ام تا فقری در میان شما نباشد.

این ایده‌آل بود. خدا می‌دانست که همیشه افراد فقیر وجود خواهند داشت. همیشه نابرابری وجود خواهد داشت.

اما خداوند می‌خواست اسرائیل جامعه‌ای باشد که در آن چنین اتفاقاتی رخ ندهد. و بنابراین، قانون عهد عتیق چنین قوانینی را به ما می‌دهد. در خروج ۲۲، اگر به همسایه خود قرض می‌دهید و او باید ردایش را به عنوان وثیقه‌ای برای بازپرداخت به شما بدهد، مطمئن شوید که هر شب ردایش را به او برگردانید.

تا شب که می‌خواهد، سردش نشود. تثنیه، فصل ۱۵، آیه ۱، هر هفت سال بدهی‌های موجود در سرزمین را لغو می‌کند. و من می‌دانم که بسیاری از دانشجویانم که وام دانشجویی گرفته‌اند، دوست دارند امروز این عمل را ببینند.

تثنیه ۲۳، از وام‌هایی که به برادران اسرائیلی خود می‌دهید، بهره نگیرید. لاویان ۱۹ و تثنیه فصل ۲۴ به فقرا اجازه دهید به مزارع شما بیایند و در گوشه و کنار خوشه‌چینی کنند و مازاد آن را بردارند زیرا شما به همه آنها نیازی ندارید. تثنیه فصل ۱۵، شما باید هر هفت سال بردگان خود، یعنی بندگان بدهکار عبری را آزاد کنید.

و وقتی به ارمیا فصل ۳۴ و ۳۵ می‌رسیم، خواهیم فهمید که مردم یهودا طبق آن فرمان زندگی نمی‌کردند. تثنیه از فقرا و نیازمندان سوءاستفاده نکنید. تثنیه ۱۰ آیه ۱۸، از بیوه‌ها و یتیمان مراقبت کنید، ۲۴.

در لاویان فصل ۲۵، اگر خویشاوند فقیر شما نیازمند است، او را از بدهی نجات دهید یا اموالی را که مجبور به فروش آن شده است، به او بازگردانید. لاویان ۲۵ همچنین می‌گوید هر ۵۰ سال یک سال یوبیل وجود دارد که در آن همه چیز به صاحب اصلی خود بازمی‌گردد و هر بدهی لغو می‌شود. این بخشی از اصول اخلاقی عهد عتیق است.

دیوید بیکر، در کتاب خود با عنوان «مشت محکم یا دستان باز»، به ما یادآوری می‌کند که قانون عهد عتیق فقط یک قانون باستانی دیگر از خاور نزدیک نیست. از بسیاری جهات، این نگرانی‌ها برای فقرا و نیازمندان به طور ویژه در اسرائیل مورد تأکید قرار می‌گرفت. و حتی اگر کاملاً منحصر به فرد نبودند، در قانونی که خدا

از طریق موسی داد، مقرراتی وجود داشت که آن را کاملاً از هر چیز دیگری که در فرهنگ عهد عتیق وجود دارد، متمایز می‌کند.

انبیاء مردم را به سوی آن نوع مسئولیت اخلاقی فرا می‌خوانند. بنابراین، مجدداً، برای همراهی با پیام ارمیا اجازه دهید برخی از قسمت‌هایی را که در آنها این موضوع را می‌بینیم، برجسته کنیم. اشعیا فصل ۵، آیات ۸ تا ۱۰، من قبلاً در درس به این قسمت اشاره کرده‌ام.

وای بر آنان که خانه را به خانه و مزرعه را به مزرعه پیوند می‌دهند تا جایی که دیگر جایی باقی نمی‌ماند و شما را در میان زمین به تنهایی ساکن می‌کنند. خداوند لشکرها در گوش من سوگند یاد کرده است. مطمئناً خانه‌های بسیاری ویران خواهند شد، خانه‌های بزرگ و زیبا بدون سکنه.

زیرا ده هکتار از یک تاکستان فقط یک بٹ (واحد پول هندوها) محصول می‌دهد و یک مشت بذر فقط یک ایفه (واحد پول هندوها) محصول می‌دهد. آنها از فقرا سوءاستفاده کرده بودند. آنها از بدهی‌ها و وام‌ها به طرق مختلف برای به دست آوردن زمین‌های نیازمندان استفاده کرده بودند.

و خدا می‌گوید من آن سرزمین‌هایی را که از دیگران دزدیده‌اید، از شما خواهم گرفت. عاموس فصل ۲ می‌گوید که شریان در زمین، فقرا را به یک جفت صندل می‌فروشد. پدری و پسرش با یک دختر برده مرتکب زنا می‌شوند.

آنها هنگام ورود به خانه خدا برای پرستش او، روی ردایی که از همسایه خود گرفته‌اند، دراز می‌کشند. به یاد دارید که در سفر خروج گفته شده بود که آنها باید آن را برگردانند؟ آنها خدا را با اموال دزدیده شده پرستش می‌کردند. در ارمیا فصل ۷، در خطبه معروف ارمیا در معبد، ارمیا به مردم یادآوری می‌کند که ببینید اگر می‌خواهید در این سرزمین زندگی کنید، اگر می‌خواهید از برکات عهد بهره‌مند شوید، باید مسئولیت‌های خود را در قبال همسایگانان انجام دهید.

ارمیا در واقع ده فرمان را برمی‌دارد و آنها را وارونه می‌کند. او ابتدا درباره نیمه دوم فرمان‌ها و سپس درباره نیمه اول فرمان‌ها صحبت می‌کند تا بر اهمیت عدالت اجتماعی تأکید کند. یکی از تصاویر مورد علاقه من در کتاب انبیا، در میکاه، فصل ۳ است. میکاه می‌گوید که شریان، ثروتمندان، رهبران یهودا مانند کسانی شده‌اند که قوم خود را می‌گیرند، آنها را در دیگ خرد می‌کنند، می‌پزند و برای شام می‌خورند.

بدیهی است که یهودا آدم‌خواری نمی‌کرد، اما آنچه خداوند با انجام این کارها می‌گفت این بود که از فقرا اخاذی می‌کنید، زمین‌هایشان را می‌گیرید، معیشتشان را می‌دزدید، آنها را از لذت بردن از چیزهایی که خدا به آنها داده بود، میراثشان، محروم می‌کنید، شما به اندازه آدم‌خواران بد شده‌اید. در نتیجه این، مردم نمی‌توانستند به حضور خدا بیایند و او را پرستند و وانمود کنند که او را دوست دارند و فداکاری کنند و همه این کارها را انجام دهند در حالی که با فقرا بدرفتاری می‌کردند. در کلیسای مسیحی امروز و در انجیل‌گرایی آمریکایی، ما بیشتر و بیشتر از این واقعیت آگاه می‌شویم که خدمت انجیل ما شامل یک خدمت اجتماعی نیز می‌شود.

تاریخی وجود داشته است که در آن انجیل‌گرایی محافظه‌کار نمی‌خواست با انجیل اجتماعی ارتباط برقرار کند. در نتیجه، ما اغلب مسئولیت‌هایی را که خداوند به ما داده است، نه فقط به عنوان بخشی از یک خدمت فرعی کلیسا، بلکه به عنوان بخشی از رسالت ما که مراقبت از فقرا و نیازمندان و رفع نیازهای جسمی مردم است، فراموش کرده‌ایم. من سپاسگزارم که ما دوباره به این موضوع آگاه شده‌ایم.

کتاب دیوید پلات، رادیکال، این مسئولیت‌ها را به ما یادآوری کرده است. مشکل این است که از بسیاری جهات، من معتقدم دلیل اینکه کلیسا از این مسئولیت‌ها غفلت کرده است، این است که ما از پیامبران غافل شده‌ایم. و اگر ما شریعت موسی را در کلیساهایمان آموزش می‌دادیم، اگر پیامبران عهد عتیق را به فرزندانمان موعظه می‌کردیم، این مسئولیت‌ها را فراموش نمی‌کردیم زیرا آنها کاملاً در مرکزیت کاری هستند که ما به عنوان قوم خدا انجام می‌دهیم.

آنها هرگز جای موعظه انجیل را نمی‌گیرند و جایگزین الهیات بد نمی‌شوند، اما بخشی از مأموریت و دعوت ما در کلیسا هستند. آن بخش از تثنیه ۱۵ را به خاطر دارید؟ نقشه خدا برای اسرائیل این بود که هیچ فقری در میان قوم خدا وجود نداشته باشد. حال، اگر فکر می‌کنید که این صرفاً عهد عتیق است یا صرفاً برای اسرائیل است، می‌خواهم تصویری را که خدا از کلیسای اولیه در اعمال رسولان باب ۴ به ما می‌دهد، به شما یادآوری کنم. می‌گوید کسانی که بیش از نیاز خود داشتند، آنچه داشتند را فروختند و به نیازمندان دادند.

در کلیسای اولیه هیچ فقری در میان مردم وجود نداشت. من احساس می‌کنم که لوقا در آن متن، به تثنیه، فصل ۱۵ و مردمی که اسرائیل نتوانسته بود باشد و در این اسرائیل جدیدی که خدا در حال تأسیس آن بود، به آنها تبدیل نشده بود، اشاره می‌کند. خداوند می‌خواست این امر را به واقعیت تبدیل کند.

خداوند می‌خواهد که ما در کلیساهایمان و جوامع خود، نماینده‌ی جدیدی از اسرائیل جدید نیز باشیم. اسرائیل، الگویی از آنچه قرار بود قوم خدا به آن شکل باشند، بود. در میان شما فقری وجود نخواهد داشت.

آنها در کلیسای اولیه این وظیفه را انجام می‌دادند، زیرا آن بخش از مسئولیت خود را درک می‌کردند. یک مسئله سوم و نهایی هم وجود دارد، و واقعاً یک مسئله مرتبط با زندگی است. مسئله سومی که بنی اسرائیل با آن روبرو خواهند شد، مشکل پرستش نادرست است، مشکل پرستش نادرست.

و از بسیاری جهات، در کلیساهای امروز ما، بسیاری از نبردهایی که مسیحیان با یکدیگر دارند، بر سر مسائل مربوط به عبادت است. و بسیاری از اوقات، این بحث‌ها در مورد سبک موعظه، شکل ظاهری محراب، موسیقی و سبک عبادت است. اینها واقعاً مسائل بیرونی هستند.

پیامبران بیشتر به قلب خاص عبادت خواهند پرداخت. موضوعی که پیامبران بارها و بارها مطرح خواهند کرد این است که آیین‌ها و قربانی‌ها و موسیقی و دعاها بی‌فایده‌اند که قوم خدا به خداوند تقدیم می‌کردند، برای او، غیرقابل قبول بود. دلیل غیرقابل قبول بودن آنها صرفاً این نبود که آنها فقط از روی ظاهر عمل می‌کردند، بلکه این آیین‌ها فقط به یک آیین تبدیل شده بودند.

دلیل اینکه آنها غیرقابل قبول بودند این بود که هیچ سبک زندگی خاصی پشت اعمال و آیین‌ها وجود نداشت. و اغلب در سراسر پیامبران، آنها به این موضوع می‌پرداختند که خداوند از قربانی‌هایی که شما تقدیم می‌کنید راضی نیست. خداوند به آیین‌هایی که شما انجام می‌دهید علاقه‌ای ندارد.

او بیشتر به یک سبک زندگی مطیعانه در کنار آن پرستش علاقه دارد. برخلاف خدایان خاور نزدیک باستان، پیامبران به ما یادآوری می‌کنند که خدای اسرائیل را نمی‌توان با آیین‌ها و قربانی‌ها دستکاری کرد. اغلب در این خدایان باستانی خاور نزدیک، وقتی فاجعه‌ای رخ می‌داد، آنها سعی می‌کردند به معبد یا نزد کاهن بروند و بفهمند که ما چه کاری انجام داده‌ایم که خدایان را آزرده خاطر کرده است. و شاید اگر به خدایان گوشت یا آجیو یا شراب بیشتری پیشنهاد دهیم، آنها از ما راضی باشند.

اما آنچه پیامبران می‌خواهند بگویند این است که خدا را نمی‌توان با آیین‌ها و قربانی‌ها دستکاری کرد. شما نمی‌توانید با ردایی که از همسایه‌تان به عنوان گرو و برخلاف قانون گرفته‌اید، به معبد بروید و قربانی و دعا به خدا تقدیم کنید. در اشعیا ۱، اشعیا نبی می‌گوید، شما دستان خود را برای دعا به سوی خدا بلند می‌کنید، اما دستان شما آغشته به خون است.

و خداوند می‌گوید، از آوردن قربانی‌های بی‌فایده و پایمال کردن صحن‌های من دست بردارید. من حتی دیگر نمی‌خواهم به دعا‌های شما گوش دهم زیرا سخنان شما را نمی‌شنوم. من دستان شما را می‌بینم.

میکاه، فصل ۶، یکی از متون مهم در کتب انبیا است. خدا از ما به عنوان قوم خود چه می‌خواهد؟ آیا باید برای او قربانی‌های فراوان، نهرهای روغن، صدها و هزاران حیوان بیاوریم؟ آیا این چیزی است که خدا را خشنود می‌کند؟ پاسخ منفی است. آیا باید فرزند نخست‌زاده خود را برای او بیاوریم و شاید قربانی والاتری را. که بسیاری از این بت‌پرستان انجام می‌دهند، انجام دهیم؟ این هم چیزی نیست که خدا می‌خواهد.

خداوند از قوم خود می‌خواهد که عدالت را رعایت کنند. آنها رحمت را دوست دارند. آنها با فروتنی در برابر خدا گام برمی‌دارند.

عاموس نبی می‌گوید، من از موسیقی شما متنفرم. از قربانی‌های شما متنفرم. از آیین‌های شما متنفرم.

بگذارید عدالت مانند رودخانه‌ای جاری شود. و ارمیا قرار است در فصل ۷ آیات ۲۱ تا ۲۳ به این موضوع پردازد و ما به آن متن باز خواهیم گشت. اما خداوند می‌گوید، در مقام مقایسه، وقتی شریعت را به شما دادم، تمرکز اصلی بر فرامین مربوط به آیین‌ها و قربانی‌ها نبود.

این درباره اطاعت بود. و وقتی قربانی‌های سوختنی خود را تقدیم می‌کنید، بهتر است گوشت آن را بخورید. زیرا قربانی‌های شما بی‌فایده است. پیامبران با این آیین‌ها مخالف نبودند.

پیش از این، برداشتی از پیامبران وجود داشت مبنی بر اینکه آنها در توحید اخلاقی مبتدی بودند و تمام مناسک را رد می‌کردند. پیامبران همچنین بر مناسک تأکید می‌کردند که بخشی از اطاعت از خدا هستند. خدا. این قربانی‌ها را مقرر کرده بود.

خداوند این اعمال را مقرر کرده بود، اما اعمال جدا از سبک زندگی، آن چیزی نبودند که خداوند می‌خواست و بنابراین، وقتی به پیام پیامبران نگاه می‌کنیم، این سه چیز با هم در می‌آمیزند. تأکید بر بت‌پرستی و مشکل نگاه کردن به هر چیزی غیر از خدا به عنوان منبع نهایی امنیت یا عبادت ما وجود دارد.

مشکل عدالت اجتماعی وجود دارد و اینکه مردم نه تنها در قبال خدا، بلکه در قبال یکدیگر نیز به مسئولیت‌های خود عمل نمی‌کردند. و سپس مسئله پرستش نادرست، یعنی آمدن به سوی خدا بدون قلب درست و سبک زندگی درست، مطرح است. و بنابراین، وقتی در مورد پرستش در پرتو پیامبران فکر می‌کنیم، این فقط یک مسئله نیست.

چه نوع موسیقی پخش می‌کنیم؟ مراسم مذهبی شما چگونه است؟ مراسم شما چگونه است؟ سوالی که پیامبران از ما می‌پرسند این است که زندگی شما چگونه است؟ و آیا قلب شما با آنچه خدا می‌خواهد همسو است؟ آیا خدا را با تمام وجود دوست دارید؟ یا به نوعی تعهد شما به او توسط یک میل و عشق به بت‌ها، فاسد شده است؟ یوحنا می‌گوید، قلب خود را از بت‌ها دور نگه دارید. و ما این را به یاد خواهیم آورد همانطور که به پیامبران نگاه می‌کنیم و کتاب ارمیا را با هم مطالعه می‌کنیم. این دکتر گری یتس است که ما را در ارائه کتاب ارمیا هدایت می‌کند.

دکتر گری یتس، ما را در ارائه کتاب ارمیا رهبری می کند. در جلسه دوم، او بحث ارمیا را به عنوان یک پیامبر عهد عتیق ادامه خواهد داد. در جلسه دوم، او بر سوء تفاهم های رایج در مورد پیامبران عهد عتیق تمرکز خواهد کرد.